

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و دوم، شماره هشتاد و هفتم

پاییز ۱۴۰۰

آثار هویت‌ساز در جامعه شیعه نخستین

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۸

فاطمه‌سادات میررضی^۱

رسول جعفریان^۲

از ابتدای قرن سوم و با آغاز غیبت امام دوازدهم، عالمان مذهب شیعه اثنی‌عشری، نیاز به ایجاد و نگارش آثار حدیثی، فقهی، کلامی و جز آن را احساس کردند. شکل‌گیری چنین آثاری، با اهداف گوناگونی همچون: گردآوری احادیث امامان شیعه، پاسخ‌گویی به دانشمندان دیگر فرقه‌ها و مذاهب و آگاه‌سازی جامعه شیعه شکل گرفت.

تمرکز مقاله حاضر، بر معرفی بخشی از این آثار است که در راستای هویت‌بخشی به جامعه شیعه نگاشته شده‌اند. برای این منظور، با واکاوی پنج متن نگاشته‌شده در سده‌های سوم و چهارم هجری، یعنی: المؤمن، التمحیص، صفات الشیعة، فضائل الشیعة و مصادقة الاخوان و تحلیل الگویی نگارش این آثار و چگونگی انتخاب احادیث در آنها، به این نتیجه دست یافته است که هدف نگارش این متون، نه یک گردآوری ساده، بلکه ایجاد یک هویت دینی منسجم برای شیعیان امامیه بعد از غیبت امام دوازدهم و ایجاد تمایز

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): (Kosarmirrazi5847@gmail.com).

۲. استاد دانشگاه تهران: (Ras.jafarian@gmail.com).

میان آنها به مثابه یک گروه مستقل و متفاوت با دیگر فرقه‌های مذهبی است.
این هویت فرقه‌ای، سه جنبه مهم: هویت اخلاقی، هویت اجتماعی و هویت
فقهی - احکامی داشت.

کلیدواژگان: هویت شیعی، متون حدیثی، تشیع متقدم، ابن حماد اهوازی، اسکافی،
شیخ صدوق.

۱. بیان مسئله

بعد از رحلت پیامبر ﷺ، بحران خلافت و جانشینی میان مسلمانان ایجاد شد. اختلاف بر سر اینکه حق جانشینی پیامبر متعلق به چه کسی است، چنددستگی‌هایی میان مسلمانان ایجاد کرد و مسلمانان بر اساس تفاوت نگرش به مسئله جانشینی، چند گروه شدند. در میان مسلمانان، گروهی اعتقاد به امامت به عنوان یک حق الهی ویژه علی بن ابی طالب علیه السلام، پسر عموی پیامبر داشتند که به شیعیان معروف شدند. بدین ترتیب، آغاز جدایی شیعه از جماعت مسلمانان، مسئله جانشینی پیامبر بود. این موضوع، تنها نقطه شروع اختلاف و تمایز این گروه از دیگر مسلمانان بود. تحولات سیاسی مربوط به کشته شدن خلیفه سوم عثمان، واقعه کربلا و شکل‌گیری شیعیان در کوفه و نواحی آن، دامنه این تمایز را بیشتر کرد. بعد از آن و بیش از همه در قرن دوم و سوم هجری، بحث بر سر مسائل کلامی و فقهی، تمایز این گروه را با بقیه مسلمانان آشکارتر کرد. شیعیان خود به مرور، به چند گروه تقسیم شدند که از میان آنان، زیدیان، امامیان، غالیان و اسماعیلیان، تشخیص بیشتری یافتند.

شیعیان که در تمام دوره اموی زیر فشار سیاسی بودند، برای حفظ خود در برابر دیگر گروه‌های سیاسی، مقاومت می‌کردند. بخشی از این مقاومت، در زندگی مخفی آنان و ادامه حیات در پرتوی تقیه بود. گروه امامیه، با رهبری امام سجاد علیه السلام (۹۵ق) و فرزند او امام باقر علیه السلام (۱۱۴ق) و نواده‌اش حضرت صادق علیه السلام (۱۴۸ق)، توانستند در مقایسه با

دیگر گروه‌های شیعه، از لحاظ فکری، انسجام بهتری داشته باشند؛ اما مهم این بود که در برابر سایر مسلمانان که به تدریج اهل سنت و جماعت نامیده شدند،^۱ می‌باید به هویتی ثابت دست می‌یافتند. این هویت، نیاز به مبانی روشن فکری - دینی داشت. این مقاله، متکفل آن است تا نشان دهد در مقطعی که شیعیان امامی، از نظر جمعیت انسانی، استقرار در برخی از پایگاه‌های شهری در عراق و ایران و نقاط دیگر، و نیز آرامش سیاسی شرایط بهتری داشتند، چگونه تلاش کردند در مقام یک «مذهب در درون یک دین»، هویت مشخص بیابند. آنها برای این کار، از چه متن‌هایی استفاده کردند؟ این، پرسشی است که این مقاله به آن خواهد پرداخت. در این باره، متون مزبور معرفی شده و محتوای آنها در ارتباط با نگاه هویت‌سازانه، مرور خواهد شد.

متون نوشتاری هر دوره، نقش مؤثری در تعمیق و تثبیت عقاید و مرزها و چارچوب‌های فکری و به عبارت بهتر، شکل‌دهی هویت و فرهنگ جمعی دارد و همچنین، متون، وظیفه انتقال معانی و پیام را دارند و در این مورد مانند یک رسانه عمل می‌کنند. بنابراین، متون این دوره، به عنوان ابزاری برای شناخت فرآیند هویت‌سازی، در میان جامعه تشیع مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع، رویکرد این پژوهش، تمرکز بر چگونگی شکل‌دهی هویتی شیعی از طریق مفاهیم و عناصر هویت شیعی است که در برخی متون این دوره، معرفی شده بود.

پیشینه پژوهش

در میان انبوهی از پژوهش‌هایی که در باره تاریخ تشیع در قرون نخستین اسلامی نوشته شده و هرکدام به بیان جنبه‌های خاصی از حیات سیاسی و مذهبی آنان پرداخته‌اند، به نظر

۱. رسول جعفریان، «نقش احمد بن حنبل در تعدیل مذهب اهل سنت»، مقالات تاریخی،

می‌رسد جای این پژوهش که بر اساس چند متن مهم شیعی، به بحث از هویت‌سازی برای شیعه پرداخته، خالی است. بیشتر پژوهش‌های موجود، سیر گسترش تشیع را هدف بررسی خود قرار داده‌اند. شماری دیگر از آنها، به بیان انشعابات داخلی میان شیعیان و تقسیمات آنان پرداخته‌اند. برخی نیز بر اساس نگرش‌های شناخته‌شده، در اینکه تشیع اصیل از آغاز، یک جریان اعتدالی یا غالی بوده، در این باره بحث کرده‌اند. از محققان دسته اول، می‌توان به مارشال هاجسون^۱ (۱۹۶۸م)، تمیمه^۲ بیهم دائو^۳ و محمدعلی امیرمعزی^۴ اشاره کرد. مهم‌ترین نمایندگان دسته دوم نیز سید حسین مدرسی^۵ و ماریا^۶ دسی دکاکه^۷ هستند. همان‌طور که بیان شد، دو مفهوم غلو و عقلانیت و تقسیم‌بندی طیف‌های شیعه بر اساس این مفاهیم، هسته اصلی این پژوهش‌ها را تشکیل می‌دهد. از میان این آثار، اثر ماریا دکاکه از آنجا که به بررسی شکل‌گیری هویت شیعی پرداخته

۱. Marshall Goodwin Simms Hodgson. وی پژوهشگر برجسته تمدن اسلامی و

استاد تاریخ و اندیشه‌های اجتماعی در دانشگاه شیکاگو بود.

2. Marshall g.s. Hodgson, How did the early Shia become sectarian, in: journal of the American oriental society, vol. 75, no. 1, (jan.- mar., 1995), pp. 1-13.

۳. Tamima Bayhom-daou. او پژوهشگر برجسته در حوزه مطالعات شیعی است و در دانشکده تاریخ دانشگاه لندن مشغول به کار است.

4. Tamima bayhom- daou, The second- century siite gulat were they really gnostic?, journal of Arabic and Islamic studies 5, 2003.

5. Moezzi, mohammad ali amir, the divine guide in early shiism: the sources of esotericism in islam, state university of new York press, 1994.

۶. حسین مدرسی طباطبایی، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه: هاشم ایزدپناه.

۷. Maria Massi Dakake. وی محقق برجسته در حوزه مطالعات اسلامی و استادیار مطالعات ادیان در دانشگاه جورج میسن امریکا است.

8. Maria massi dakake, the charismatic community : Shiite identity in early islam, state university of new York, Albany, 2007.

است، تشابهاتی با مقاله پیش رو دارد؛ اما وجه تمایزشان، آن است که کتاب مورد نظر هویت شیعی را در طول زمان و بر اساس مفاهیم کلیدی در تشیع امامی تصویر کرده است؛ درحالی که مقاله حاضر، پنج متن متعلق به قرن سوم و چهارم را با رویکرد هویت‌بخشی به جامعه شیعه تحلیل می‌کند. همچنین، اثر دیگری متعلق به متیو پیرس^۱ که به تحلیل زندگی نامه امامان معصوم بر اساس پنج جلد از قدیمی‌ترین زندگی‌نامه‌های موجود می‌پردازد، الهام‌بخش رویکرد این مقاله بوده است.^۲

به هر روی، آنچه جای آن خالی است، این است که بر اساس نوشته‌هایی که معرفی خواهند شد، دریابیم جریان هویت‌سازی شیعیان، پس از یک دوره شوریدگی و تهدید، چگونه پیش رفته است. این بحث، به دنبال روشن کردن رابطه میان متن‌های شماری از علمای امامیه، با تعریف یک امامی اصیل، یک جامعه شیعی امامی متوازن و بیان چگونگی تربیت شیعیان به عنوان یک جماعت درستکار و ممتاز است.

نیاز به هویت‌سازی در تشیع

دو پرسش در اینجا حایز اهمیت است: نخست اینکه یک گروه مذهبی، در چه شرایطی نیاز دارد تا هویت و تشخص ویژه خود را داشته باشند؟ دوم آنکه جامعه شیعیان در چه شرایطی به این نقطه رسیدند و چه اقداماتی انجام دادند؟ اگر ما نگاه از بعد به قبل داشته باشیم، باید بگوییم جامعه شیعه در قرن پنجم هجری، یک جامعه با ویژگی‌های روشن و تشخص‌های خاص خود و استوار است. این در حالی است که معتزله، چنین تشخصی نداشتند و از میان رفتند.^۳ مرجیان نیز که یک گروه مذهبی بسیار بزرگ بودند، به‌مرور از

1. Matthew Pierce.

2. Matthew pierce, twelve infallible men: the imams and the making of Shiism, London, England, Harvard University press, 2016.

۳. در مورد علل از بین رفتن فرقه معتزله، رک: احمد امین، *ضحی الاسلام*، ۱۹۳۶؛ زهدی حسن

جارالله، *المعتزله*، ۱۹۴۷.

میان رفتند. خوارچ، گرچه تشخص خویش را داشتند، اما یک اقلیت دور از شهرها و بیشتر حاشیه‌نشین بودند.^۱ شیعیان، تنها گروهی هستند که به موازات سنیان، در بدنه اصلی دنیای اسلام استوار و با هویت ماندند. این، نتیجه هویت‌سازی است که آنان به‌نوعی از آغاز و به‌طور اساسی، طی قرن سوم و چهارم، آن را دنبال کردند.

ساختن هویت، ریشه‌های خود را نیز می‌طلبد و این ریشه‌ها در شیعه، چیزی جز این نیست که شیعیان، برخلاف کسانی که معتقدند شیعه در آغاز صرفاً یک جریان سیاسی بوده،^۲ از بنیادهای فکری لازم همانند غدیر، با حمایت اقلیتی متنفذ از صحابه که مخالف جریان قدرت بودند، برخوردار بوده است. در ادامه، دولت امام علی (۴۰ق) این هویت‌سازی را با خطبه‌های مفصل امام، دنبال کرد و ریشه‌ها را محکم‌تر نمود؛ چنان‌که اشاره شد، کربلا در هویت‌سازی برای شیعه، به‌عنوان یک «پایه» نقش مهمی داشت. با این حال، بعد از کربلا، شیعیان در تلاطم اوضاع نابسامان سیاسی گرفتار شدند که مهم‌تر از همه، جنگ سخت امویان (۴۱-۱۳۲ق) با آنان بود. آنها گرفتار انشعاب‌هایی شدند که عمدتاً نشانی همین عدم استقرار در دولت اموی بود. بخشی از بدنه شیعیان، دنبال عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ق) رفتند. شماری در دولت اموی - عباسی، به دنبال امامان زیدی رفتند و بخشی از غالیان، با جنبش اسماعیلی همراهی کردند و بخشی هم چونان عناصر فاسد، در جامعه شیعه ماندند و شیعه را در میان دیگر مسلمانان، به‌عنوان اینکه اهل غلو هستند، بدنام کردند؛ اما امامان شیعه، راه دیگری را برگزیدند و بر محور مفهوم ولایت و حفظ شریعت و فقه، کار را پیش بردند. امام صادق (علیه السلام) در زمینه هویت‌سازی فکری برای شیعه، گام‌های بسیار بلندی برداشت.^۳

۱. رک: عبدالحمید، *دراسات فی الفرق والعقائد الاسلامیه*، ص ۸۵.

2. Moojan Momen, *An introduction to Shi'i Islam: the history and doctrines of Twelver Shi'ism*, New Haven and London, p. 63.

۳. محمدجعفری، *تشیع در مسیر تاریخ*، ص ۳۱۲.

با این حال، دو جدال در ارتباط با شیعه ادامه یافت؛ نخست چنددستگی داخل شیعیان که به مبارزه دایم میان آنها منجر شد. این منازعه، بر محور مفاهیمی چون مهدویت و برخی از دیدگاه‌های مذهبی بود که تصویری از آن را می‌توان در نگاشته‌های شیعیان دریافت. دو کتاب *فرق الشیعه* حسن بن موسی نوبختی (قرن سوم - چهارم)، و *المقالات والفرق* سعد بن عبدالله ابی خلف اشعری (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ ق) می‌تواند ما را در این تصویر جدلی در درون جامعه شیعه کمک کند. غالیان، به‌ویژه با دور شدن از هویت فقهی - اخلاقی شیعی، یک دشواری اساسی برای شیعه پدید آوردند. امامان تلاش بسیاری برای جبران زیان می‌کردند و آن، تأکید بر روی توصیف جنبه‌های هویتی مخصوص شیعه بود.

مشکل دیگر در شوریدگی شیعیان، جدال با فرقه‌های دیگر از اهل سنت و معتزله و خشویه بود که شیعیان را به طور مداوم به نگارش آثار جدلی و ردیه‌نویسی سوق می‌داد. نبرد سخت رهبران اهل سنت با شیعیان، در کاربرد کلمه رافضه در نگاه آنها، در آثار کلامی و رجالی‌شان کاملاً مشخص است.^۱ همه اینها می‌توانست نوعی عدم استقرار هویتی را برای شیعه در پی داشته باشد. اینجاست که نیاز به هویت‌سازی حس می‌شود.

در تمام این دوره، نخبگان از اصحاب امامان، در پی ثبت احادیث دینی برگرفته از جلسات عمومی و خصوصی با محوریت امام بودند و آثاری در این زمینه تحت عنوان اصول تألیف شد. اصول، مجموعه‌های حدیثی متشکل از احادیث امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بودند.^۲ بعد از آن، مجموعه‌های حدیثی بیشتر در حوزه: کوفه، اهواز و قم شکل گرفت. بغداد، یکی دیگر از حوزه‌های شیعی بود که از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم نماینده جریان کلامی شیعه شد؛ چراکه شیعیان بغداد، تعامل بسیاری با فرقه‌های دیگر

۱. ملطی، *التبیه والرّد*، ص ۱۸-۲۴.

۲. حجت، *جوامع حدیثی شیعه*، ص ۸-۹.

داشتند و برای اثبات حقانیت شیعه، مجبور بودند از روش‌های عقلی بهره بگیرند؛ اما جریان‌های حدیثی کوفه و بعد از آن، اهواز و قم، در جامعه‌ای تقریباً شیعی شکل گرفت. در چنین فضایی و در میان چنین بحث‌های کلامی و تخصصی که در میان دانشمندان و بزرگان شیعه جریان داشت، آنچه به عنوان ماهیت شیعه برای سطوح پایین‌تر جامعه شیعی قابل شناخت بود، گم می‌شد. بنابراین، لازم بود یک سری متون منقح نگاشته شود که به صورت خلاصه و در بیانی ساده، به مردم بگوید شیعه چیست. بر این اساس، برخی از نویسندگان شیعی متعلق به جریان حدیث‌گرا، دست به نگارش متونی برای جامعه پراکنده شیعی زدند. در واقع، این افراد تلاش کردند آثاری را به رشته تحریر در بیاورند که آنچه به نظر ایشان درست بود و البته هویت شیعی را شکل می‌داد، در یک اثر مدون و منظم جمع‌آوری نمایند. در جامعه‌ای که هر گروهی عقیده خاص خود را داشت و البته بر درستی آن نیز پافشاری می‌کرد، ضرورت تدوین راهنمایی حس می‌شد؛ برای افرادی که خودشان علم‌چندانی برای تمایز میان جریان‌های مختلف نداشتند؛ برای آنکه بدانند تشیع چیست و یک شیعه، چه وظایفی دارد.

معرفی متون و معیارهای انتخاب آنها

بسیاری از متون شیعی، نگاشته‌شده در قرون متقدم، نقش مهم و حیاتی در شکل‌دادن و انتقال مفاهیم شیعی ایفا می‌کردند. مجموعه‌های حدیثی شیعی نیز از این قاعده مستثنا نبودند. نگارش این مجموعه‌ها، از میانه قرن سوم و بعد از غیبت امام دوازدهم آغاز شد. به نظر می‌رسد که آنها تنها گردآوری ساده تعدادی حدیث نبودند، بلکه با هدف و مقصود معینی نگاشته می‌شدند. این مسئله، با توجه به عناوین این آثار، محتوای آنها و البته زمان نگارششان قابل تشخیص است. بنابراین، برای شناسایی چنین آثاری و تعیین اهداف احتمالی مورد نظر نویسندگان، چهار معیار در نظر گرفته شد: عنوان اثر، محتوا، فرم و تاریخ نگارش. بر این اساس، تمام آثاری که بر مبنای این چهار معیار در راستای هویت‌بخشی به جامعه شیعه امامیه نگاشته شده‌اند، مورد توجه قرار گرفتند.

چنین متونی از لحاظ محتوا شامل سه مبحث: «صفات و نشانه‌های شیعه»، «فضیلت‌های شیعه» و «حقوق شیعیان نسبت به یکدیگر» بودند و دارای بحث‌های تخصصی کلامی نبودند؛ چراکه بحث بر سر اثبات عقاید شیعه، در آثار دیگر مطرح می‌شد و در اینجا هدف فقط معرفی نشانه‌های شیعیان بود. این آثار، حاوی مضمون‌هایی برای شناسایی اصول اخلاقی و اعتقادی تشیع بود و در واقع، می‌توان آنها را متون درست عملی و درست‌اندیشی شیعه نامید؛ متونی که با گردآوری دسته‌ای از احادیث، به شیعیان می‌گویند که چطور باید زندگی کنند و چگونه بیندیشند و وجه تمایزشان با بقیه فرقه‌ها در چیست. تمایز این آثار با آثار اصول عقاید، در آن است که آثار اصول عقاید به طور اختصاصی، در مورد علم کلام شیعه نگاشته شده است و تنها عقاید کلامی شیعه را شرح داده است. همچنین، در این نوع آثار که به نظر می‌رسد با رویکرد تخصصی‌تر نگاشته شده، شرح و بسطی در مورد هر یک از اصول عقاید وجود دارد که در آثار منتخب در این قسمت چنین شرح و بسطی وجود ندارد.^۱

معیار دیگر شناسایی، عنوان آثار بود. هر اثری که بعد از غیبت امام دوازدهم تا انتهای قرن چهارم عنوانی با مضمون: نشانه‌های شیعه، نشانه‌های مؤمن، فضایل و امتیازات شیعه و نیز حقوق شیعیان نسبت به یکدیگر داشت، در زمره متون هویت‌بخش طبقه‌بندی شد. از

۱. در این خصوص، می‌توان به فهرست کتاب *الاعتقادات الامامیه* صدوق اشاره کرد. این منبع، از اولین آثاری است که در حوزه اصول عقاید شیعه نگاشته شده است. *الاعتقادات الامامیه*، باب ۴۵ دارد و هر یک از باب‌ها، شرح و بسط یکی از عقاید شیعه است؛ برای نمونه، باب دوم در مورد صفات ذات و صفات افعال خداوند است و باب‌هایی نیز به موضوع: جبر و تفویض، اراده و مشیت، قضا و قدر، لوح و قلم، کرسی، عرش، موت و... اختصاص دارد. همان‌طور که مشهود است، این شرح و بسط در جزئیات اعتقادات در کتاب *صفات الشیعه* دیده نمی‌شود (ر.ک: شیخ صدوق، *الاعتقادات الامامیه*، ترجمه: محمدعلی بن سید محمد حسنی، تهران، اسلامیة).

لحاظ شکلی نیز این آثار، متون حدیثی بودند که محتوای بیان‌شده را در قالب مجموعه‌ای از احادیث ارائه می‌کردند و نویسندگان این متون، متعلق به جریان حدیث‌گرای شیعی بودند. بر این اساس، پنج اثر: *المؤمن، التمحیص، صفات الشیعه، فضائل الشیعه و مصادقة الاخوان*، انتخاب شدند.

قدیم‌ترین این آثار، کتاب *المؤمن* اثر حسین بن سعید کوفی اهوازی (زنده تا ۲۵۴ق) است. حسین بن سعید، فقیه و محدث امامی نیمه اول قرن سوم در شهر کوفه زاده شد. او در ایام جوانی به اهواز مهاجرت کرد و بسیاری از فعالیت‌های علمی او نیز در این شهر جریان داشت. حسین بن سعید، در اواخر عمر، در قم ساکن بوده و در همانجا از دنیا می‌رود.^۱ او را از اصحاب امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام دانسته‌اند.^۲ منابع رجالی شیعه، سی عنوان کتاب به او منسوب کرده‌اند^۳ که تنها دو کتاب از آنها به دست ما رسیده است: *الزهد و المؤمن*.

اثر بعدی در این حوزه، *التمحیص* بود؛ نامی که ابوعلی محمد بن همام اسکافی (۳۳۶ق) برای اثر خود با مضمون صفات و ویژگی مؤمنان برگزید.^۴ تمحیص، به معنای

۱. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۷۷؛ نجاشی، *رجال النجاشی*، ج ۱، ص ۵۹-۶۰؛ طوسی، *فهرست کتب*

الشیعة وأصولهم وأسماء المصنفین وأصحاب الأصول، ص ۱۴۹.

۲. البرقی، *محاسن*، ص ۵۴ و ۵۶؛ طوسی، *رجال*، ص ۳۵۵، ۳۷۴ و ۳۸۵.

۳. طوسی، *الفهرست*، ص ۵۹.

۴. در باره انتساب این اثر به ابن همام اسکافی، نظریات مختلفی وجود دارد. برخی از کتاب‌شناسان مانند: شیخ ابراهیم قطیفی، قاضی نورالله شوشتری، شیخ حر عاملی و میرزا عبدالله افندی، کتاب را متعلق به ابن شعبه حرانی صاحب کتاب *تحف العقول* می‌دانند و برای این نظر خود، دلایلی را ارائه کرده‌اند. دسته دیگری از محققان که علامه مجلسی نیز جزء این دسته می‌باشد، کتاب را متعلق به ابن همام اسکافی می‌دانند. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: *التمحیص*، بخش مقدمه.

تکمیل و طهارت روح است و خود مؤلف نیز انگیزه خودش را در تألیف این اثر، چنین بیان می‌کند: «چون دیدم که بلاهایی که به شیعیان می‌رسد، در امور زندگی و امرار معاش و دگرگونی‌ها و تغییر حالات دنیا، همه رفعت‌دهنده و تکامل‌بخش از سوی خدا[ست] و می‌خواسته این معرفت را نشر دهد تا کسی از دین خارج نشود. سرعت بلاها به سمت شیعیان، برای پاکسازی ایشان و کفاره گناهانشان است. تمحیص، [یعنی] از بین‌برنده زشتی‌ها، بدی‌ها، گداختن و پاکسازی از عیب‌ها.»^۱ ساختار کتاب، مانند کتاب المؤمن است و مطالب خود را در هشت باب بیان کرده است.

سه متن مهم دیگر در این زمینه، در نیمه دوم قرن چهارم و توسط یکی از مهم‌ترین دانشمندان شیعی نگاشته شد. شیخ صدوق (م ۳۸۶ق)، از مشهورترین دانشمندان شیعی مکتب قم در قرن چهارم، سه اثر بسیار مهم با نام‌های: صفات الشیعة^۲، فضائل الشیعة^۳ و مصادقة الاخوان^۴ نگاشته که در آنها صفات و ویژگی‌های شیعیان، فضیلت‌های آنها و حقوق مؤمنان نسبت به یکدیگر را بیان کرده است. آثار صدوق از چند حیث با آثار پیش از خود تفاوت دارد؛ ابتدا اینکه صدوق، سه بخش صفات و فضایل و حقوق برادران دینی را از هم متمایز کرده است و هر یک را جداگانه بررسی نموده است. دوم اینکه عناوینی که برای آثار خود انتخاب کرده، کاملاً روشن و شفاف است و این امر، شاید مربوط به دوره‌ای بوده که صدوق می‌زیسته است که در آن، شیعیان آزادانه‌تر رفتار می‌کردند و همچنین، به دوره زیستن او در شهر قم ارتباط دارد که به عنوان یک شهر کاملاً شیعی شناخته شده بود.^۵

۱. اسکافی، التمحیص، ص ۳۹.

۲. صدوق، صفات الشیعة، ترجمه: توحیدی.

۳. همان.

۴. همو، مصادقة الاخوان، ترجمه: علی خراسانی کاظمی.

۵. در اینجا لازم است اشاره شود که عنوان فضائل الشیعة پیش از صدوق نیز کاربرد داشته است. ←

هر سه این نویسندگان، از میان طبقه محدثان شیعه بودند و به سه شهر حدیثی مهم شیعی: کوفه، بغداد و قم تعلق داشتند. حسین بن سعید، محدث شیعی شهر کوفه بود که بعدها به اهواز مهاجرت کرد. اسکافی مراحل رشد و تحصیل خود را در حومه شهر بغداد سپری کرد و شیخ صدوق نیز از محدثان معروف شهر قم در قرن چهارم بود. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، محتوای آثار این نویسندگان، شامل سه دسته کلی: صفات، فضایل و حقوق دینی متقابل شیعیان است؛ با وجود این، تفاوت‌هایی در میزان توجه به هریک از این بخش‌ها دیده می‌شود. حسین بن سعید، بیشتر در مورد حقوق متقابل شیعیان نسبت به یکدیگر و وظایفی که در قبال یکدیگر دارند، صحبت کرده است؛ به علاوه امتیازاتی که به شیعیان اختصاص پیدا کرده است. اسکافی، تمرکز اصلی خود را بر سبک زندگی مخصوص شیعیان که با رنج و مصیبت و سختی‌های فراوان همراه است و نیز امتیازاتی که در مقابل این مصیبت‌ها برای شیعیان در نظر گرفته شده، قرار داده و این موضوع، مبنای اصلی اثر او است؛ اما شیخ صدوق که در سه اثر مستقل به این موضوع پرداخته، سه موضوع صفات و فضایل و حقوق را به طور یکسان مورد توجه قرار داده است. به علاوه، شیخ صدوق به طور اجمالی، بخشی از اصول عقاید و دستورات فقهی شیعه را نیز ارائه کرده است. در این مورد، می‌توانیم بگوییم که آثار شیخ صدوق از حیث انسجام و جامعیت، نسبت به دو اثر پیشین خود، سیر تکاملی داشته است.

در منابع کتاب‌شناسی شیعی، نام سه کتاب، «فضائل الشیعة» ثبت شده است که متأسفانه، هیچ‌یک از آنها موجود نیست:

کتاب *فضائل شیعه* متعلق به حافظ ابی‌عبدالله حسین بن محمد بن فرزندق فزاری، معروف به قطعی (زنده در سال ۳۲۸ق)؛ دیگری متعلق به محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله بن اسماعیل الکاتب، معروف به ابن ابی‌الثلج (۳۲۲ق) با عنوان *البشری والنزلی فی فضائل الشیعة*؛ و سومین کتاب، متعلق به ابوالحسن الخزار الکوفی است (ر.ک: نجاشی، رجال النجاشی، ص ۶۷، ۳۸۱ و ۳۸۸).

تحلیل متون بر اساس هویت‌سازی «مناسکی - تمدنی»

همان‌طور که بیان شد، در فضای آشفته پس از غیبت امام دوازدهم (۲۶۰ق)، در شرایطی که شیعیان امامی علاوه بر اینکه اقلیت اجتماعی را داشتند و در میان خود شیعیان نیز فرقه‌های متعددی ایجاد شده بود و همچنین، غیبت امامی که شیعیان امامی، انتظام فرقه‌ای خود را با رجوع به ایشان می‌گرفتند، محدثان شیعی احساس نیاز کردند برای تدوین متونی که برای شیعیان امامی هویت‌سازی کند و این گروه مشتت و پراکنده را دارای انتظام فرقه‌ای نماید. بر این اساس، نمایندگان جریان‌های حدیث‌گرای شیعی، تصویری از تشیع در متون تدوینی خود منعکس کردند و آن را به عنوان ماهیت شیعه امامیه به جامعه شیعه ارائه نمودند.

این هویت‌سازی را می‌شود در قالب مفهوم «سبک زندگی» و یا حتی «زندگی متمدنانه دینی» هم یاد کرد. این مسیر هویت‌سازی، در زمانی شیعیان متقدم، با به دست آوردن «جمعیت» و حتی «دولت» در زمان آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ق) تقویت شد. عنوان تمدنی در اینجا، باید به طور ساده، به معنای یک زندگی متفاوت اجتماعی در مواردی که تفاوت مذهبی مورد نیاز هویت خاص است، در نظر گرفته شود.

ارائه چنین تصویری از شیعه، با دو هدف ایجاد تمایز میان شیعه و بقیه فرقه‌ها و همچنین معرفی امتیازهای شیعه و پیروان آن در مقایسه با باقی مردم، شکل گرفت. نویسندگان این گونه از تاریخ‌نگاری تشیع، تلاش کردند در آثارشان علاوه بر معرفی شیعه به عنوان تنها فرقه ناجیه، امتیازاتی را نیز برای شیعه ارائه کنند؛ امتیازاتی که تنها مخصوص شیعه است و هیچ گروهی با آنها شریک نیست. این متون که آگاهانه شکل گرفت، تقریباً به طور یکسان، هدفشان ایجاد هویت بود. مؤلفه‌های هویت در این متون را می‌توان در پنج دسته: عنوان مخصوص، صفات و ویژگی‌های شیعه، امتیازها و برتری‌های شیعه، حقوق مؤمنان نسبت به یکدیگر و سبک زندگی مخصوص، طبقه‌بندی کرد.

«مؤمن» عنوانی برای انسجام اجتماعی در جامعه نوین شیعی

از همان سال‌های ابتدایی ظهور اسلام، معنای دو عنوان «مسلمان» و «مؤمن» از یکدیگر تفکیک شد. «مسلمان»، عنوانی بود برای کسانی که ادعای پذیرش یگانگی خدا و پیامبری محمد ﷺ را داشتند. اقرار به این دو موضوع، کافی بود که فرد را در زمره مسلمانان قرار دهد؛ اما «ایمان» و اطلاق لفظ «مؤمن»، مسئله مهم‌تری بود و نشان از این موضوع داشت که تنها اقرار زبانی برای ایمان داشتن، کافی نیست. آیه ۱۴ سوره حجرات، به این موضوع اشاره دارد.^۱ بر اساس حدیثی منتسب به جعفر بن محمد رضی الله عنه، امام ششم شیعیان، ایمان بر مبنای عمل صالح و انجام آنچه در دستورات دین اسلام حلال (درست) خوانده می‌شود و دوری از آنچه ناپسند (حرام) است^۲، استوار می‌باشد. ایمان، مرتبه‌ای بالاتر از پذیرش اسلام است؛ عنوانی که به هر کسی اطلاق نمی‌شود؛ لقبی که به دلیل وجود شاخصه‌های نامعلوم، همواره با ابهام همراه بود؛ جایگاه سخت‌گیرانه‌ای که هر مسلمانی موفق به کسب آن نمی‌شد و البته رستگاری نیز مشروط به وارد شدن ایمان در قلب فرد مسلمان بود.^۳

۱. «[برخی از] بادیه‌نشینان گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده‌اید؛ لیکن بگوئید: اسلام آوردیم. و هنوز در دل‌های شما ایمان داخل نشده است. و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید، از [ارزش] کرده‌هایتان چیزی کم نمی‌کند. خدا، آمرزنده مهربان است.»

۲. «الْإِسْلَامُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ التَّصْدِيقُ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِهِ حُقِنَتِ الدِّمَاءُ وَعَلَيْهِ جَرَتِ الْمَنَاحِكُ وَالْمَوَارِيثُ وَعَلَى ظَاهِرِهِ جَمَاعَةُ النَّاسِ وَالْإِيمَانُ الْهُدَى وَمَا يَنْبُتُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ صِفَةِ الْإِسْلَامِ وَمَا ظَهَرَ مِنَ الْعَمَلِ بِهِ وَالْإِيمَانُ أَرْفَعُ مِنَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ إِنْ الْإِيمَانُ يُشَارِكُ الْإِسْلَامَ فِي الظَّاهِرِ وَالْإِسْلَامُ لَا يُشَارِكُ الْإِيمَانَ فِي الْبَاطِنِ وَإِنْ اجْتَمَعَا فِي الْقَوْلِ وَالصِّفَةِ» (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۵).

۳. مؤمنون، آیه ۱: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ.»

بر این اساس، به دست آوردن چنین جایگاهی، برای هر فرد و گروه مسلمان حایز اهمیت بود. در چنین شرایطی، وقتی حسین بن سعید، نویسنده کتاب *المؤمن*، عنوان «مؤمن» را تنها قابل اطلاق به شیعیان، اثنی عشری می‌داند و این مطلب را در آغاز کتابش، پیش از بیان هر مطلب دیگری، مطرح می‌کند، نشان از اهمیت موضوع دارد. در حدیثی آمده است: «در محضر امام صادق علیه السلام بودم که از آن حضرت پیرامون سخن خداوند که فرموده: «کسی که حسنه‌ای را انجام دهد، ده برابر پاداش برایش می‌باشد»، سؤال شد: آیا این امر، شامل مخالفان هم می‌شود؟ حضرت فرمود: همانا این پاداش، مخصوص مؤمنان خواهد بود.»^۱ در این حدیث، مخالفان امام صادق علیه السلام در زمره غیرمؤمنان معرفی شده‌اند و مؤمنان، همان یاران امام صادق علیه السلام هستند.

برابری دو مفهوم «شیعه» و «مؤمن» در کتاب *التمحیص* نیز به روشنی بیان شده است. اسکافی ضمن بیان ویژگی‌های مؤمن و امتیازاتی که خداوند تنها برای شیعیان در نظر گرفته، این مفهوم را به خواننده القا می‌کند که چنین ویژگی‌ها و فضایی، مخصوص شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام و کسانی است که ولایت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را قبول کرده‌اند. اسکافی حدیثی منتسب به امام صادق علیه السلام را آورده است؛ حدیثی که در مورد پیروان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت می‌کند که مرتکب گناه کبیره شده‌اند. در آنجا یکی از یاران امام، از حکم چنین افرادی سؤال می‌کند و امام در پاسخ می‌گوید: «إِذَا أَصَابَ الْمُؤْمِنُ مِنْ تِلْكَ الْمُؤَبَّاتِ شَيْئًا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِبَلِيَّةٍ فِي جَسَدِهِ، أَوْ بِخَوْفٍ يُدْخِلُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا، وَقَدْ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ.»^۲ در این حدیث، شیعیانی که ولایت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفته‌اند، با مؤمنان یکسان در نظر گرفته شده‌اند.

۱. حسین بن سعید اهوازی، *المؤمن*، ص ۵۵.

۲. اسکافی، *التمحیص*، ص ۷۰.

صفات و ویژگی‌های شیعه

البته اطلاق لفظ «مؤمن» همراه با تخصیص صفات و ویژگی‌های معینی به شیعیان بود؛ ویژگی‌هایی که خاص آنها بوده و به وسیله آن خصایص، در میان مردم شناخته می‌شدند. این ویژگی‌ها را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد: صفات ایجابی و صفات سلبی. صفات ایجابی، صفاتی بودند که فرد شیعه برای اطلاق این عنوان ضرورتاً باید دارا می‌بود و شامل صفات اخلاقی و ظاهری بودند. صفات سلبی نیز صفاتی بودند که دارا بودن آنها فرد را از دایره شیعیان خارج می‌کرد.

الف. صفات ایجابی

اولین دسته از صفات ایجابی، صفات اخلاقی بودند؛ مجموعه‌ای از خصیصه‌ها و ویژگی‌هایی که فرد برای «مؤمن» بودن، لازم بود از آنها برخوردار باشد. در این قسمت، مرزبندی‌های اخلاقی وجود داشت که نویسندگان این متون، آنها را به‌دقت ترسیم می‌کردند و جامعه شیعه را برای کسب آنها ترغیب می‌نمودند؛ آموزه‌هایی که این فکر و عقیده را به شیعیان القا می‌کرد که فقط به صرف اینکه شخصی به زبان بگوید من شیعه هستم، کافی نیست و برای این منظور، مجموعه‌ای از خصوصیات و اعمال و رفتار لازم است. حسین بن سعید، در این مورد، فصل‌های جداگانه‌ای دارد و آنچه مؤمن را از غیرمؤمن جدا می‌کند، توصیف می‌نماید. او تأکید می‌کند که مؤمن باید باتقوا، پرهیزکار، راستگو و واجد سایر صفات اخلاقی باشد.

تعدادی از احادیث در این متون، مجموعه گسترده‌ای از صفات اخلاقی را معرفی می‌کند که یک شیعه باید دارا باشد. صفاتی از قبیل: صبر، قناعت، یقین، خوش‌اخلاقی، بخشندگی، راستگویی و امانتداری، در این قسمت مطرح شده است.^۱

۱. حسین بن سعید اهوازی، المؤمن، ص ۱۵۳.

شیخ صدوق، در کتاب *صفات الشیعه* در مورد ویژگی‌های شخصیتی، صفات اخلاقی و نشانه‌های ظاهری یک شیعه است که باید داشته باشد. نویسنده با گردآوری مجموع کاملی از صفات اخلاقی، نشان می‌دهد که وجه تمایز شیعه با بقیه فرقه‌ها، تنها در عقاید و مناسک نیست؛ بلکه اجرای اصول اخلاقی محکمی است که عدم پایبندی فرد به آنها، سبب خروج او از دایره تشیع می‌شود.^۱ در حقیقت، متن *صفات الشیعه* در راستای ایجاد مرزهای اخلاقی میان شیعیان و باقی مردم ایجاد شده است. اولین حدیث کتاب صفات، به روشنی به این مرزها اشاره می‌کند. در این حدیث، شیعیان کسانی معرفی می‌شوند که دارای صفاتی اخلاقی مانند: پرهیزکاری، وفاداری، امانتداری، زهد و عبادت هستند.^۲ همچنین، در کتاب *التمحیص* مؤلفه اخلاقی مهمی به عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های هویت مذهب شیعه معرفی می‌شود و آن، مؤلفه صبر و شکیبایی است. تسلیم امر خدا بودن و صبر کردن بر مشکلات، امری است که در این قسمت، سخت به آن تأکید شده است و به عنوان مؤلفه اخلاقی هویت شیعی، معرفی شده است.^۳

دومین دسته از ویژگی‌های مخصوص شیعیان، مطابق تصویری که نویسندگان متون ارائه می‌دهند، خصوصیات ظاهری خاص ایشان است؛ خصوصیات که سبب تمایز شیعیان از دیگر گروه‌های جامعه می‌شود. حدیثی با این مضمون وجود دارد که گروهی از افراد با

۱. شیخ صدوق، *صفات الشیعه*، ص ۱۱: «قَوْمٌ تَبِعَ [تَبِعُوا] أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاتَّفَتَ إِلَيْهِمْ قَالَ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ قَالُوا شِيعَتُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ مَا لِي لَا أَرَى عَلَيْكُمْ سِيَمَاءَ الشَّيْعَةِ قَالُوا وَ مَا سِيَمَاءُ الشَّيْعَةِ قَالَ صُفْرُ الْوُجُوهِ مِنَ السَّهْرِ خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الصَّيَامِ دُبُلُ الشَّفَاهِ مِنَ الدُّعَاءِ عَلَيْهِمْ غَبْرَةُ الْخَاشِعِينَ.»

۲. همان، ص ۱۹: «شِيعَتُنَا أَهْلُ الْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ وَأَهْلُ الْوَفَاءِ وَالْأَمَانَةِ وَأَهْلُ الزُّهْدِ وَالْعِبَادَةِ أَصْحَابُ إِحْدَى وَخَمْسِينَ رَكْعَةً فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ الْفَائِمُونَ بِاللَّيْلِ الصَّائِمُونَ بِالنَّهَارِ يُزَكُّونَ أَمْوَالَهُمْ وَ يَحْجُونَ الْبَيْتَ وَ يَجْتَنِبُونَ كُلَّ مُحْرَمٍ.»

۳. اسکافی، *التمحیص*، ص ۱۲۹.

امام علی علیه السلام ملاقات می‌کنند و خود را شیعه ایشان معرفی می‌کنند. امام در جواب ایشان می‌گوید: چرا آثار شیعه بودن در چهره‌های شما نمایان نیست. آنگاه حضرت برخی خصوصیات ظاهری شیعه بودن از قبیل: زردی صورت و رنگ پریدگی، لاغر بودن، جای مَهر بر پیشانی داشتن را معرفی می‌کند.^۱ همچنین، در حدیث دیگری، امام سجاد علیه السلام ادعای تشیع کسانی را که فاقد نشانه‌های ظاهری هستند، دروغ دانسته است.^۲

به جز این گروه از صفات، برخی از اصول اعتقادی و دستورات فقهی نیز به طور اشاره‌وار بیان شده است. البته در میان این نویسندگان، تنها شیخ صدوق است که به این دو بخش اشاره کرده است و دو نویسنده دیگر، در این مورد چیزی نگفته‌اند؛ برای نمونه، در حدیث مفصلی اصول عقاید شیعه این طور آمده است:

«فضل بن شاذان گفت: حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس به یگانگی حق اقرار کند و مشابهت خدا را با خلقش انکار نماید و پروردگار را از آنچه شایسته او نیست، منزّه

۱. پیشین، ص ۱۷: «خَرَجَ عَلَيَّ عليه السلام ذَاتَ يَوْمٍ وَ نَحْنُ مُجْتَمِعُونَ فَقَالَ مَنْ أَنْتُمْ وَ مَا اجْتَمَعُكُمْ فَقُلْنَا قَوْمٌ مِنْ شِيعَتِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ مَا لِي لَا أَرَى سِيَمَاءَ الشَّيْعَةِ عَلَيْكُمْ فَقُلْنَا وَ مَا سِيَمَاءُ الشَّيْعَةِ فَقَالَ عليه السلام صُفْرُ الْوُجُوهِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ عُمَشُ الْعُيُونِ مِنْ مَخَافَةِ اللَّهِ ذُبُلُ الشَّفَاهِ مِنَ الصِّيَامِ عَلَيْهِمْ غَيْرَةُ الْخَاشِعِينَ.»

۲. همان، ص ۲۹: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَاعِدًا فِي بَيْتِهِ إِذْ قَرَعَ قَوْمٌ عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَقَالَ يَا جَارِيَةَ انظري مَنْ بِالْبَابِ فَقَالُوا قَوْمٌ مِنْ شِيعَتِكَ فَوَتَبَ عَجَلَانٌ حَتَّى كَادَ أَنْ يَقَعَ فَلَمَّا فَتَحَ الْبَابَ وَ نَظَرَ إِلَيْهِمْ رَجَعَ وَ قَالَ كَذَبُوا فَأَيْنَ السَّمْتُ فِي الْوُجُوهِ أَيْنَ أَثَرُ الْعِبَادَةِ أَيْنَ سِيَمَاءُ السُّجُودِ إِنَّمَا شِيعَتُنَا يُعْرِفُونَ بَعِبَادَتِهِمْ وَ شَعْتِهِمْ قَدْ قَرَحَتِ الْعِبَادَةُ مِنْهُمْ الْأَنَافُ وَ دَثَرَتِ الْجِبَاهُ وَ الْمَسَاجِدُ خُمُصُ الْبُطُونِ ذُبُلُ الشَّفَاهِ قَدْ هَيَّجَتِ الْعِبَادَةُ وَجُوهُهُمْ وَ أَخْلَقَ سَهْرُ اللَّيَالِي وَ قَطَعَ الْهَوَاجِرُ جُثَّتَهُمُ الْمُسَبِّحُونَ إِذَا سَكَتَ النَّاسُ وَ الْمُصَلُّونَ إِذَا نَامَ النَّاسُ وَ الْمَحْزُونُونَ إِذَا فَرِحَ النَّاسُ يُعْرِفُونَ بِالزُّهْدِ كَلَامُهُمُ الرَّحْمَةُ وَ تَشَاغُلُهُمُ بِالْجَنَّةِ.»

بدارد و اقرار کند که او صاحب نیرو، قدرت، اراده، خواست، خلق، امر، قضا و قدر است و افعال بندگان، به گونه خلق تقدیری و نه خلق تکوینی، مخلوق اوست و گواهی دهد که محمد ﷺ رسول خدا و علی ﷺ و سایر امامان بعد از او ﷺ حجت‌های خداوند هستند و دوستان آنها را دوست بدارد و دشمنانشان را دشمن بدارد، از گناهان کبیره دوری کند، به رجعت و دو متعه (متعه حج و متعه نساء) اقرار کند، به معراج و سؤال [نکیر و منکر] در قبر، حوض کوثر، شفاعت، خلق شدن بهشت و دوزخ، پل صراط، ترازوی [سنجش اعمال]، برانگیخته شدن [از قبر]، دوباره زنده شدن، پاداش [نیک و بد اعمال] و حسابرسی [در روز قیامت] ایمان آورد، چنین کسی، مؤمن حقیقی است و از شیعیان ما اهل بیت ﷺ می‌باشد. حمد و سپاس از آن خداوندی که پروردگار جهانیان است و دروذهای [بی‌پایان] او بر محمد و آل پاکش باد.^۱

ب: صفات سلبی

در کنار معرفی صفات ایجابی که یک مؤمن (شیعه) باید واجد آنها باشد، به خصوصیات نیز اشاره شده است که شیعیان از داشتن آنها نهی شده‌اند. در این مجموعه‌ها، احادیثی در باره اعمالی که مؤمنان نباید انجام دهند و همچنین صفات اخلاقی که نباید داشته باشند، آورده شده است. در این مرحله، تمایز دیگری میان شیعه و غیرشیعه گذاشته می‌شود. در این بخش، به رفتارهای نکوهیده‌ای مانند: سرزنش کردن دیگران، عیب‌جویی، تهمت زدن و شماتت مؤمن اشاره شده است که مجازات‌های سنگینی دارد. همچنین، تأکید شده که مؤمنان نسبت به یکدیگر مسئول هستند و نباید برخی کارها را انجام ندهند؛ برای نمونه، مؤمنی که برادر و دوست خود را سرافکنده کند، درحالی‌که توانایی کمک به او را داشته، خدا نیز در مقابل، او را خوار می‌کند و یا زمانی که غیبت مؤمنی

۱. شیخ صدوق، صفات الشیعه، ص ۵۱.

می‌شود، وظیفه دارد که از او حمایت کند و در غیر این صورت، خداوند عذاب سنگینی برای او قرار می‌دهد.^۱ در این بخش نیز تمرکز احادیث بر رفتار مؤمنان نسبت به یکدیگر است؛ نه بر رفتار فردی هر مؤمن.

علاوه بر صفات اخلاقی، در مورد ارتباط شیعیان با دیگر افراد جامعه نیز سفارش شده و معیاری برای آن معرفی می‌شود؛ دوستی اهل بیت پیامبر ﷺ، به عنوان معیاری برای این امر در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، شیعیان اجازه نداشتند با همه اقشار جامعه دوستی کنند و برای دوستی با افراد، باید به دین او نگاه کنند. اگر یکی از شیعیان با کسی که با اهل بیت پیامبر ﷺ دشمنی دارد، دوستی کند، در واقع، از دایره تشیع خارج شده است.^۲ یکی از مهم‌ترین احادیثی که به این مسئله اشاره نموده، توضیح می‌دهد که هرکس با دشمنان خدا دوستی کند، در حقیقت، با دوستان خدا دشمنی کرده است و این امر، خشم خداوند را در پی دارد که عذاب بزرگی نیز برای او در نظر گرفته می‌شود.^۳

امتیازها و برتری‌های شیعیان

در کنار وظایف مخصوصی که بر عهده شیعیان گذاشته شده بود و همچنین، صفات و ویژگی‌های خاص ایشان، امتیازها و برتری‌هایی برای آنها در نظر گرفته شده بود که تنها در انحصار شیعیان بود و هیچ گروه دیگری از مسلمانان، در داشتن آنها شریک نبودند؛ جایگاه والایی که در برابر وظایف مخصوصشان و زندگی پُر از مشقت، تنها به ایشان اختصاص داشت.

۱. حسین بن سعید اهوازی، المؤمن، ص ۱۵۳.

۲. شیخ صدوق، صفات الشیعة، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۳۳: «مَنْ وَالَىٰ أَعْدَاءَ اللَّهِ فَقَدْ عَادَىٰ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَمَنْ عَادَىٰ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَقَدْ عَادَىٰ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُدْخِلَهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ.»

از امتیازات مخصوص شیعیان، بهره بردن از پاداش ده برابری در هنگام انجام عمل ثواب بود و اینکه اساساً ثواب و پاداش، تنها مخصوص مؤمنان است.^۱ در اینجا مؤمنان و یا به عبارت دیگر، همان شیعیان، از بقیه جامعه جدا می‌شوند. در کتاب *المؤمن* در حدیثی به صراحت بیان می‌شود که شیعیان (مؤمنان)، قوم برگزیده خداوند هستند و عمل باقی افراد جامعه، سودی برایشان ندارد.^۲

از ویژگی‌های دیگر شیعیان، نوری است که از نور خداوند در وجودشان گذاشته شده و این نور، برای اهل آسمان می‌درخشد.^۳ چنین حدیثی، اشاره به خلقت نوری شیعیان دارد که البته همه جامعه شیعه، در مورد آن، اتفاق نظر نداشتند.

هویت‌سازی با بیان امتیازهای شیعیان نسبت به یکدیگر، در متن *فضائل الشیعه* نیز به روشنی دیده می‌شود؛ امتیازهایی مانند: رضایت خداوند از فرد، رضایت پیامبر اسلام، بودن در بهشت و آسان بودن مرگ، از نمونه فضایل مخصوص شیعیان است. در حدیثی که به این موارد اشاره کرده، آمده که نماز و روزه نیز تنها با دوستی امام علی علیه السلام پذیرفته می‌شود.^۴ بر این اساس، شیعیان که محور اعتقادشان ولایت امام علی علیه السلام است، تنها کسانی هستند که اعمال عبادی‌شان پذیرفته می‌شود و از این حیث، تنها فرقه نجات‌یافته هستند. دو حدیث از این مجموعه، به امتیازاتی که دوستی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله برای شیعیان دارد، اختصاص داده شده است.^۵ این امر، نشانگر آن است که تعریف شیعه بودن، با دوستی امام علی علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله یکسان دانسته شده است و برای این

۱. حسین بن سعید اهوازی، *المؤمن*، ص ۵۵.

۲. همان.

۳. همان.

۴. شیخ صدوق، *فضائل الشیعه*، ص ۳.

۵. همان، ص ۶.

دوستی، خداوند پادشاهایی را در نظر گرفته است. این پادشاهها، مخصوص شیعیان است و کسی از مسلمانان در آنها شریک نیست. همچنین، تنها مؤمنان هستند که در هنگام مرگ، درد و رنجی تحمل نمی‌کنند و اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کنار بالین ایشان حاضر می‌شوند.^۱ ویژگی دیگر آنان، این است که در روز قیامت، صورت‌های آنان نورانی می‌شود و در جایگاهی قرار می‌گیرند که تمام انسان‌های دیگر به آنها حسادت می‌ورزند.^۲

قسمت بعدی، معرفی اهمیت و ارزش شیعیان بود. طبیعتاً مخاطب چنین حدیثی، خود جامعه شیعیان بودند. در واقع، آنها باید از جایگاه خود و ارتباطشان با امامان خویش آگاه می‌شدند. در حدیث مهمی که صدوق در مورد این موضوع آورده، آمده است که دشمنی با شیعیان، در واقع، دشمنی با امامان شیعه است و دوستی با آنها نیز دوستی با امامان شیعه است. همچنین، شیعیان از سرشت امامان شیعه خلق شده‌اند و تمام امور شیعیان، زیر نظر امامان شیعه اداره می‌شود؛ برای نمونه، اگر بیمار شوند، امامان نیز به همراه ایشان بیمار می‌شوند و اگر اندوهگین باشند نیز امامانشان با ایشان اندوهگین می‌شوند و برایشان دعا می‌کنند. چنین عباراتی، نشان از ارتباط تنگاتنگ امام شیعه با جامعه شیعی دارد.^۳ در این قسمت، به وضوح از شیعیان به عنوان تنها رستگاران امت پیامبر یاد شده است و امتیازهایی به آنها عنایت گردیده که به دیگر مسلمانان، اعطا نشده است.

معرفی چنین امتیازهایی برای شیعیان، در مقابل وظایفی بود که در تمام ابعاد گوناگون زندگی برای آنها در نظر گرفته شده بود. در واقع، چنین متونی یک برنامه جامع برای زندگی فردی و اجتماعی و عبادی جامعه شیعه معرفی می‌کرد و در مقابل، امتیازهایی نیز به ایشان ارائه می‌شد که هیچ‌یک از سایر گروه‌های مسلمان را شامل نمی‌شد.

۱. همان، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. همان، ص ۲۵.

تأکید بر پیوندهای اجتماعی میان شیعیان در جامعه نوین شیعی

مهم‌ترین قسمتی که نویسندگان بر آن تأکید دارند، پیوندهای اجتماعی و یا تأکید بر رفتار متقابل شیعیان نسبت به یکدیگر است. آنها با آوردن احادیثی در مورد حقوق مؤمنان در برابر یکدیگر، خواننده را ترغیب و البته وادار می‌کنند که به شبکه‌ای از پیوندهای اجتماعی الزام داشته باشد؛ برای نمونه، حسین بن سعید، بخشی از کتاب خود را به حقوق متقابل برادران دینی اختصاص داده است. در یکی از مهم‌ترین احادیث این بخش، نویسنده در مورد پیوند برادری که خداوند میان مؤمنان قرار داده است، صحبت می‌کند.^۱ او با مرتبط کردن این پیوند با نوعی تصمیم‌گیری از جانب خداوند، این امر، یعنی پیوند برادری میان مؤمنان را مستحکم‌تر می‌کند. او در این زمینه، حدیثی می‌آورد که تمام ارواح مؤمنان، به هم متصل است و اگر یک جا مؤمنی ناراحت باشد، بقیه آن را حس می‌کنند.^۲ همچنین، در مورد نوعی اتصال روحی میان مؤمنان صحبت می‌کند که سبب می‌شود مؤمنان غریبه نیز به سوی هم کشش داشته باشند.

همچنین، در حدیث دیگری از همین بخش، حقوق مؤمنان در مقابل یکدیگر شرح داده می‌شود. در این حدیث طولانی، هفت حق مهم مطرح می‌شود:

۱. هرآنچه را خود دوست دارد، برای برادر مؤمن خویش نیز دوست داشته باشد؛
۲. با تمام وجود به او کمک کند؛
۳. در مسیر خشنود شدن او گام بردارد و از هرگونه ایجاد ناراحتی برایش اجتناب کند؛
۴. فرمان‌بردار خواسته‌های مشروع او باشد؛
۵. راهنمای آشنا و آیین زشتی‌های او باشد؛
۶. اگر خودش سیر باشد، برادر مؤمنش نیز باید سیر باشد؛

۱. حسین بن سعید اهوازی، *المؤمن*، ص ۷۵.

۲. همان، ص ۷۵-۷۷.

۷. سوگند او را تصدیق کند.^۱

در ادامه این بخش، نویسنده پاداش‌هایی را معرفی می‌کند که خداوند آنها را به کسانی می‌دهد که مراقب حقوق برادران دینی خود باشند و البته مجازات‌هایی که در انتظار افراد بی‌توجه به مؤمنان دیگر است.^۲ نویسنده تلاش می‌کند که با معرفی چنین نظام پاداش و مجازاتی، پیوند عمیقی میان شیعیان ایجاد کند. در واقع، جامعه شیعه را از یک جامعه جدا و دور از یکدیگر، به نظام اجتماعی پیوسته‌ای تبدیل نماید که شبکه‌ای از مؤمنان آن را ایجاد کرده‌اند.

تأکید بر حقوق متقابل شیعیان نسبت به یکدیگر، در راستای ایجاد یک شبکه اجتماعی در میان آنها انجام می‌شود که این جمعیت متفرق و پراکنده را دارای انسجام اجتماعی نماید؛ چراکه شیعیان در آن دوره، در اقلیت بودند و ایجاد چنین مؤلفه هویتی‌ای، سبب یکپارچگی آنها در سطح اجتماع می‌شد. شیخ صدوق در اثر مستقلی، به حقوق متقابل شیعیان نسبت به یکدیگر پرداخته است. کتاب *مصادقة الاخوان* متشکل از ۴۳ باب است که تمامی آنها، در مورد حقوق برادران دینی در مقابل یکدیگر است. در حقیقت، این متن در راستای ایجاد نوعی خودآگاهی در میان شیعیان نسبت به جایگاه برادران دینی‌شان نگاشته شده بود و همین امر، سبب انسجام اجتماعی این جمعیت پراکنده می‌شد.

در ابتدای کتاب، در مورد انواع برادران دینی و حدود آنها صحبت می‌شود و اینکه به چه کسی «برادر دینی» گفته می‌شود.^۳ بعد از آن، در باب دیگری که در مورد ارتباط افراد با یکدیگر است، تأکید بسیاری بر این موضوع می‌شود که شیعیان جلسه‌های دیدار و

۱. همان، ص ۸۱.

۲. همان، ص ۸۰-۹۶.

۳. شیخ صدوق، *مصادقة الاخوان*، ص ۳۱.

گفت‌وگو با یکدیگر داشته باشند. چنین جلسه‌هایی، هم جنبه آموزش امور دینی داشته است و هم جنبه تقویت ارتباط اجتماعی. تأکید بر این بخش، به قدری زیاد است که در حدیثی منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، اشتیاق ایشان در شرکت در این جلسات بیان می‌شود.^۱ همان‌طور که بیان شد، این جلسات نیز در راستای انسجام اجتماعی در میان جمعیت پراکنده شیعیان بود.

در بخش دیگری از کتاب، در مورد مواسات با برادران دینی صحبت می‌شود. مواسات، در لغت به معنای برابری است و در اینجا بدین معناست که شیعیان وظیفه دارند که برادران خویش را در امکانات مادی که به آنها اعطا شده است، شریک کنند؛ برای نمونه، اگر فردی دو عدد لباس داشته باشد و همسایه‌اش در شرایط بی‌لباسی باشد، وظیفه دارد یکی از لباس‌های خود را به همسایه‌اش بدهد.^۲ در این بخش، به اندازه‌ای به حقوق برادران دینی تأکید شده است که حتی قطع کردن طواف که عملی واجب است نیز مجاز شمرده می‌شود؛ یعنی وقتی برادر دینی فرد، به او نیاز دارد.^۳

همان‌طور که در این بخش دیده شد، مسئله کمک کردن قشر بی‌نیاز جامعه شیعه به قشر نیازمند آن، نه تنها یک سفارش اخلاقی، بلکه یک مؤلفه هویتی معرفی می‌شود. تأکید بر این موضوع، به قدری است که بی‌توجهی به آن، سبب بیرون رفتن فرد از دایره تشیع می‌شود. در این بخش، حدیث مهمی از امام صادق علیه السلام آمده است که در آن، از یکی از یارانش در مورد ارتباط فقرا با ثروتمندان سؤال می‌کند و او در پاسخ می‌گوید که ارتباطی با یکدیگر ندارند. امام صادق علیه السلام در پاسخ او می‌گوید: چطور این افراد ادعا می‌کنند از شیعیان هستند؛ درحالی که به حال فقیران رسیدگی نمی‌کنند.^۴

۱. همان، ص ۳۴.

۲. همان، ص ۳۸.

۳. همان، ص ۴۱.

۴. همو، صفات الشیعة، ص ۳۵.

سبک زندگی مؤمنانه

علاوه بر مطالب پیش گفته، مؤلفه مهم دیگری در مسیر هویت‌سازی معرفی می‌شود که ناظر بر سبک زندگی مالی شیعیان بود. سبک زندگی شیعیان و شرایط مشقت‌باری که ایشان از لحاظ اقتصادی داشتند، مسئله مهمی بود که نویسندگان تلاش می‌کردند در قالب احادیث و روایات، آن را برنامه‌ای از جانب خداوند معرفی کنند.^۱ حسین بن سعید در بخش ابتدایی کتاب خود، به این امر پرداخته و تلاش کرده تا نشان دهد هر اتفاق و مشکلی که برای شیعیان پیش می‌آید، امتحانی از جانب خداوند است که برای بالا بردن مقام ایشان به آنها داده شده است و مؤمنان نباید هیچ شکایتی داشته باشند و حتی تلاشی برای تغییر آن نکنند؛ چون چنین اموری، دست خداوند است و افراد نمی‌توانند آن را تغییر دهند.^۲ در این بخش، علاوه بر القای نوعی حالت تسلیم و رضا به افراد جامعه شیعه، نوعی تقدیرگرایی و جبرگرایی نیز مشاهده می‌شود. اینکه اگر فردی فقیر باشد، این خواست خداوند است و اگر ثروت هم داشته باشد، باز خواست خداوند است.^۳ همچنین، فردی که مؤمن است، باید آماده بلاها و مصیبت‌ها باشد. از رهگذر جبرگرایی، حالت تسلیم و رضا ایجاد یک نگاه دینی برای فشارها و سختی‌هایی که شیعیان در آن زمان تحمل می‌کردند، ذهن افراد آماده می‌شود که مدل زندگی آنها اتفاقی نیست؛ بلکه به این دلیل است که آنها قوم برگزیده خداوند هستند.

اسکافی نیز در اثر خود چنین مسیری را می‌پیماید و بر اساس احادیث گوناگون نشان می‌دهد هر مشکلی که در زندگی شیعیان به وجود می‌آید، خواست خدا بوده، مؤمنان همواره در معرض امتحان قرار دارند و اگر در چنین شرایط سختی زندگی می‌کنند، برای

۱. حسین بن سعید اهوازی، *المؤمن*، ص ۲۰-۵۳.

۲. همان، ص ۴۳.

۳. همان، ص ۴۵.

این است که از گناه پاک شوند.^۱ در واقع، نویسنده در این قسمت شرایط زندگی شیعیان را با قوم برگزیده بودن آنان پیوند می‌دهد. به علاوه اینکه به آنها گوشزد می‌کند که چنین شرایطی، خواست خداوند برای ایشان است و در مقابل آن، تنها باید صبر نمایند. در اینجا نیز با نوعی جبرگرایی در مورد شرایط عمومی زندگی افراد مانند شرایط مالی و مبتلا شدن به بیماری روبه‌رو هستیم. نویسنده در قالب مجموعه‌ای از احادیث به خوانندگان نشان می‌دهد که در انتخاب میزان روزی و یا سلامتی، نقشی ندارند و باید در مقابل خواست خدا تسلیم باشند.^۲

نتیجه

مقاله حاضر، با هدف معرفی متونی در راستای هویت‌بخشی برای جامعه عمومی و توده‌ای شیعه نگاشته شده است. برای این منظور، پنج متن: *المؤمن، التمحیص، صفات الشیعة، فضائل الشیعة و مصادقة الاخوان* انتخاب شد. نگارش این متون، از انتهای سده سوم هجری آغاز شد و تا قرن چهارم نیز ادامه یافت. مدل نگارش این متون و نوع انتخاب حدیثی که در آنها صورت گرفته است، این امر را به ذهن متبادر می‌کند که هدف نگارش این متون، نه یک گردآوری ساده، بلکه در راستای ایجاد یک هویت دینی منسجم برای شیعیان امامیه بعد از غیبت امام دوازدهم و هم‌زمان با فراوانی شیعیان و برخورداری از جوامع مستقل از اهل سنت ایجاد شده است. نکته مهم در ایجاد چنین هویت‌بخشی، این است که ایجاد چنین هویتی، برای جامعه غیرمتخصص شیعه بوده است.

هویت دینی و به عبارت بهتر، هویت فرقه‌ای، هدفی بود که این متون برای عمل‌بخشی به آن تلاش کردند. این هویت فرقه‌ای، در سه جنبه صورت گرفت: الف.

۱. اسکافی، *التمحیص*، ص ۴۰.

۲. همان، ص ۴۵-۵۵.

هویت اخلاقی؛ ب. هویت اجتماعی؛ ج. امتیازات مخصوص شیعیان. بر این اساس، نویسندگان این متون تلاش کردند که در یک متن تألیفی کوتاه، مهم‌ترین بخش‌های اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی شیعه امامیه را انتخاب کنند و به عنوان یک بیان‌نامه (مانیفست) برای تشیع ارائه دهند. آنها به طور منظم و قاعده‌مند تلاش کردند که برای جامعه هدف خود که آنها را تنها مؤمنان واقعی می‌خوانند، تمایزهایی معلوم کنند که آنها بتوانند مرزبندی خود با دیگر فرقه‌ها را مشخص نمایند. این، یک ضرورت در یک مقطع تاریخی مشخص بود که شیعه از حالت مجادله صرف با مخالفان درآمد و به یک جامعه شیعی تعریف‌شده تبدیل شد.

ویژگی مشترک این متون در جهت هویت‌بخشی به شیعیان، ارائه صفات و ویژگی‌های اخلاقی خاص برای جامعه مؤمنانه شیعه، ارائه بایدها و نبایدهای اجتماعی برای ایجاد پیوندهای درونی میان شیعیان و نیز تأکید بر نقاط عطف و ضروری در اعتقادات شیعه که هر شیعه امامی لزوماً باید به آنها اعتقاد داشته باشد.

هم‌زمانی این چند متن، قرار گرفتن همه آنها در قرن چهارم که قرن حمایت یک دولت بزرگ از شیعه و توسعه جمعیتی شیعه و تمرکز در برخی از شهرها مانند قم است، نشان می‌دهد که این کار، عامدانه و با هدف انجام شده است.

همچنین، با توجه به شواهد و قراین موجود، می‌توان چنین نتیجه گرفت:

- این متون، بیشتر شبیه متون راهنما هستند و رویکرد پس‌زمینه‌ای آنها هدایت شیعیان در یک سمت‌وسوی مشخص است.

- سادگی این آثار و مردمی بودن آنها و پرهیز از احادیث کلامی دشوار است که باز تأکیدی بر همان جهت‌گیری اجتماعی و مردمی است. این را باید به افزایش بُعد اخلاقی بر آنها پیوند داد که همگی بر هدفمند بودن آنها در امری که این مقاله عهده‌دار شرح آن بود، تأکید دارد. مدل ترکیبی آنها در تأکید هم‌زمان بر احادیث اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی، این اصل را که شیوه خاصی را در پیش گرفته‌اند، ثابت می‌کند.

منابع

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ۱۳۸۱، الفهرست، ترجمه: محمدرضا تجدد، تهران، اساطیر.
۲. اسکافی، ابن همام، بی تا، التمهیص، مترجم: عبدالله صالحی، قم، نورالسجاد.
۳. امین، احمد، ۱۹۶۱م، ضحی الاسلام، ج ۲، قاهره، مكتبة النهضة المصرية.
۴. اهوازی، حسین بن سعید، بی تا، کتاب الزهد، مترجم: عبدالله صالحی، قم، نورالسجاد.
۵. —، بی تا، کتاب المؤمن، مترجم و مصحح: عبدالله صالحی، قم، نورالسجاد.
۶. البرقی، ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۹۲، محاسن، ترجمه و تحقیق: علیرضا زکی زاده، مشهد، اعتقاد ما.
۷. جعفریان، رسول، ۱۳۷۸، «نقش احمد بن حنبل در تعدیل مذهب اهل سنت»، چاپ شده در مقالات تاریخی، دفتر ششم، تهران، نشر دلیل ما.
۸. حجت، هادی، ۱۳۸۶، جوامع حدیثی شیعه، تهران، سمت.
۹. زهدی، حسن جارالله، ۱۹۴۷م، المعتزلة، قاهره.
۱۰. شعیری، محمد بن محمد، بی تا، جامع الأخبار، نجف، المطبعة الحیدریة.
۱۱. صدوق، الاعتقادات الامامیة، ترجمه: محمدعلی بن سید محمد حسنی، تهران، اسلامیة.
۱۲. —، بی تا، صفات الشیعة، ترجمه: امیر توحیدی، تهران، انتشارات زراره.
۱۳. —، بی تا، فضائل الشیعة، ترجمه: امیر توحیدی، تهران، انتشارات زراره.
۱۴. —، بی تا، مصادقة الاخوان، ترجمه: علی خراسانی کاظمی، قم، کرمانی.
۱۵. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ق، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، المكتبة الحیدریة.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۷۳، رجال، تصحیح: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة للجامعة المدرسین.
۱۷. —، بی تا، فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنّفین وأصحاب الأصول، مصحح: عبدالعزیز طباطبائی، قم، مكتبة المحقق الطباطبائی.
۱۸. عبدالحمید، عرفان، بی تا، دراسات فی الفرق والعقائد الاسلامیة، بغداد، مكتبة اسد.
۱۹. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، بی تا، روضة السواعظین، مترجم: مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.

۲۰. گرامی، محمد‌هادی، ۱۳۹۱، نخستین مناسبات فکری تشیع: بازخوانی مفهوم غلو در اندیشه جریان‌های متقدم امامی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۱. لالانی، ارزینا آر.، ۱۳۸۱، نخستین اندیشه‌های شیعی: تعالیم امام محمد باقر علیه السلام ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز.
۲۲. محمدجعفری، حسین، ۱۳۶۴، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه: سید محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۳. مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۷۴، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه: هاشم ایزدپناه، امریکا، نیوجرسی، مؤسسه انتشاراتی داروین.
۲۴. ملطی شافعی، محمد بن احمد، ۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م، التبییه والرد علی الالهواء والبدع، با مقدمه و تعلیق: محمد زاهد بن حسن الکوثری، بغداد، بیروت، مکتبه المثنی، مکتبه المعارف.
۲۵. نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵ش، رجال النجاشی، جلد ۱، ج ۶، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۶. هالم، هاینتس، ۱۳۸۴، تشیع، ترجمه: محمدتقی اکبری، قم، نشر ادیان.
27. Bayhom-Daou, Tamima, The second- century siite gulat were they really gnostic? ,journal of Arabic and Islamic studies 5, 2003.
28. Dakake, Maria massi, the charismatic community: Shiite identity in early Islam, state university of New York, Albany, 2007.
29. Hodgson, Marshall g.s., How did the early Shia become sectarian, in: journal of the American oriental society, vol. 75, no. 1, (Jan. - mar., 1995).
30. Moezzi, Mohammad ail Amir, the divine guide in early Shiism: the sources of esotericism in Islam, state university of New York press, 1994.
31. Momen, Moojan, An introduction to Shi'i Islam: the history and doctrines of Twelver Shi'ism, new haven and London, Yale university press, 1985.
32. Pierce, Matthew, twelve infallible men: the imams and the making of Shiism, London, England, Harvard University press, 2016.